

بررسی تأثیر فراطبیعی افعال انسان بر عالم تکوین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

علی قدردان قراملکی*

۱۴۷

پیش

سال بیست و هشتم / شماره ۱۱۰ / زمستان ۱۴۰۲

چکیده

در متون دینی برای برخی افعال انسان‌ها آثاری بیان شده که به صورت عادی و معمول و از علل طبیعی انتظار تحقق آنها وجود ندارد. از آنجا که از سوی دین بر عقلانیت و نظام سبب و مسببی تأکید دارد و از سوی دیگر این دسته متون دینی در ظاهر مخالف این نظام و اصل علیت به نظر می‌آیند، باید به بررسی این متون پرداخت تا تضاد ظاهری دو گزاره یادشده مرتفع گردد. هدف از انجام این تحقیق حل این تعارض ظاهری و بدوی است. برای نیل به این هدف، در این تحقیق به توسعه داده‌های پیشینی و تکمیل آنها پرداخته شده است. نگارنده با تحقیق کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز تحقیق را گردآوری کرده و با تحلیل عقلی و نقلی، مقایسه‌ای و انتقادی به بررسی مسئله و فروع آن پرداخته است. در این تحقیق روشن شد، افعال انسان صرفاً مادی نبوده و دارای جنبه‌های معنوی و فراطبیعی نیز می‌باشد. این ابعاد فراطبیعی موجب ایجاد صورت‌های باطنی، تکامل یا تنزل نفس انسان و جلب یا ازدست‌دادن رضایت الهی می‌شوند. سپس این علل و عوامل فراطبیعی با واسطه‌های مختلف مجرد و سپس مادی، موجب پیدایش آثاری در عالم تکوین می‌شوند که در ظاهر انتظار این آثار نمی‌رود؛ لیکن به سبب تحقق علت، وجودشان واجب و ضروری است؛ بنابراین تأثیر افعال بیان‌شده در متون دینی مخالف اصل علیت نیست، بلکه ناظر بر علل فرامادی است که از دسترس بشر خارج‌اند.

واژگان کلیدی: افعال انسان، تجرد نفس، صورت باطنی، عالم تکوین، فراطبیعی.

در برخی آیات قرآن کریم و روایات به انجام برخی افعال توصیه شده و برایشان آثار و نتایجی بیان شده است که ارتباط میان آن دو برای بشر در نگاه بدوی قابل درک نیست؛ برای نمونه امام صادق علیه السلام مردم را به دعا توصیه کرده است، چراکه دعا عامل شفای بیمار است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۷۰). همچنین در برخی متون دینی آثار و نتایجی برای برخی افعال انسان بیان شده که نه تنها قابل درک نیست، بلکه به حسب ظاهر انتظار آن نمی‌رود و مخالف با قوانین شناخته‌شده بشری است؛ مثلاً طبق آیات قرآن کریم (حدید: ۱۸) و روایات، پرداخت صدقه نه تنها موجب کاهش اموال صدقه‌دهنده نمی‌شود، بلکه سبب افزایش آن نیز می‌گردد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۱). موارد این چنینی به صورت فراوان در متون دینی ذکر شده که در ظاهر و به‌ویژه با نگاه صرفاً مادی و طبیعی، ارتباطی میان این آثار و افعال انسان مشاهده نمی‌شود (ترخان، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲-۱۳۳).

با توجه به آنکه در متون دینی بر تفکر، تأمل و عقلانیت تأکید فراوانی شده (محمد: ۲۴/یس: ۶۸) و دین به عقلانیت و نظام سبب و مسببی تأکید دارد، چه بسا گمان شود که این دو دسته گزاره‌های دینی در تعارض با یکدیگرند. برای رفع یا دفع این گمان، باید به بررسی مسئله پرداخت تا روشن شود میان دو مسئله مذکور، هیچ اختلاف و تضادی وجود ندارد؛ بنابراین ضروری می‌نماید در یک پژوهش رابطه میان افعال انسان با پدیده‌های در ظاهر نامرتبط و تأثیر غیرعادی و فراطبیعی افعال انسان روشن شود.

بر این اساس هدف اصلی این تحقیق، علمی و نظری است که در صدد تبیین تأثیر فراطبیعی فعل انسان بر عالم تکوین است. در کنار این هدف معرفتی، دفاع از آموزه‌های دینی در برابر مخالفان و پاسخ به شبهات آنان است.

البته مسئله علل غیبی و معنوی و آثار آن - به سبب وجود ریشه‌های آن در متون دینی - مغفول اندیشوران و پژوهشگران نمانده و به صورت‌های مختلف و از جنبه‌های متعددی به مسئله پرداخته شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ لیکن با مراجعه به آثار موجود مشاهده می‌شود کمتر به چگونگی تأثیر افعال انسان بر آثار غیر متعارف پرداخته شده است؛ از این رو ضروری است در تحقیقی به تأثیر فراطبیعی افعال انسان و چگونگی آن پرداخته شود که تحقیق حاضر عهده‌دار این مهم شده است.

پیشینه تحقیق

الف) کتاب‌ها

۱. غیب و زندگی تألیف محمد عرب‌صالحی: در این کتاب به تأثیر عوامل و اسباب معنوی در پدیده‌های مادی پرداخته شده است. این اثر ارزنده بیشتر به صورت مصداقی و جزئی به افعالی پرداخته که در متون دینی به آنها اشاره شده است.
۲. امدادهای غیبی در زندگی بشر تألیف شهید مطهری: در این اثر از تأثیر عوامل غیبی بر زندگی فردی و اجتماعی سخن به میان آمده است. این کتاب بیشتر در صدد انکار مادی‌گرایی بوده و کمتر به تأثیر افعال انسان در عالم تکوین پرداخته است.
۳. اسلام و محیط زیست تألیف آیت‌الله جوادی آملی: در این اثر به تبیین رابطه میان افعال انسان و محیط زیست پرداخته شده است. این اثر ناظر به نقش انسان در محیط زیست است و کمتر به چگونگی تأثیر افعال انسان پرداخته است؛ از این رو ضروری است تحقیق دیگری در تکمیل این کتاب ارزشمند انجام شود.
۴. مبانی جهان‌شناختی علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن کریم نوشته قاسم ترخان: در این کتاب به مبانی جهان‌شناختی از منظر قرآن کریم پرداخته شده و سعی شده است به امتداد آن در علوم انسانی بپردازد. تأکید این اثر بر مبانی جهان‌شناختی است و ذیل آن به برخی علل فرامادی که افعال انسانی از جمله آنها دانسته شده است و نقش آنها در عالم ماده اشاره شده است. مسئله تأثیر افعال انسان در عالم تکوین خارج از موضوع این کتاب است و لذا به صورت مستقل به آن پرداخته نشده و فقط در لابه‌لای مباحث اشاراتی به آن شده است.

ب) مقالات

۱. «تأملی در قوانین فرامادی پیشرفت بر اساس سنت‌های اجتماعی الهی» تألیف قاسم ترخان: در بخشی از این تحقیق آثار و نتایج فراطبیعی افعال انسان‌ها که در متون دینی بیان شده‌اند، دسته‌بندی و فهرست شده‌اند و کمتر به چگونگی اثرگذاری آنها پرداخته شده است.

۲. «علل معنوی و چالش‌های پیش رو در اسلامی‌سازی علوم» به قلم قاسم ترخان: در این تحقیق از تأثیر عوامل معنوی و غیبی بر عالم تکوین گزارش داده شده است. البته این تأثیر اختصاصی به افعال انسان نداشته، مؤلف این اثر به صورت کلی از تأثیر فراطبیعی حکایت می‌کند؛ همچنین این بحث به عنوان مقدمه‌ای برای اسلامی‌سازی علوم مطرح شده است؛ از این رو به چگونگی تأثیر پرداخته نشده است.

۳. «نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلاایای طبیعی» نوشته قاسم ترخان: در این مقاله از تأثیر علل فرامادی در مسئله بلاایای طبیعی که در دانش کلام ذیل «مسئله شر» طرح می‌شود، پرداخته شده است. تأکید این نوشتار بر بلاایای طبیعی است که در ظرف محیط زیست پدیدار می‌شوند؛ لذا ضروری است تحقیقی در تکمیل این اثر گران قدر نگاشته شود تا به صورت کلی و نه مصداقی به مسئله پرداخته باشد.

۴. «جایگاه عالم فراماده و عوامل فرامادی در نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی» تألیف قاسم ترخان و محمدرضا بهزادی مقدم: در این تحقیق نیز بحث تأثیر افعال انسان به صورت مقدمی بیان شده است.

۵. «بررسی امداد غیبی در زندگی بشر از دیدگاه علامه طباطبایی» به قلم حبیب‌الله مولایی نژاد و سیما سعیدی‌پور: نویسندگان در این نوشتار به دسته‌بندی برخی آیات و روایاتی پرداخته‌اند که از تأثیر عوامل غیبی در زندگی حکایت دارند؛ اما از چگونگی این تأثیر سخنی به میان نیامده است.

۶. «پژوهشی در باب ولایت تکوینی انسان از دیدگاه قرآن» به قلم آیت‌الله جعفر سبحانی و محمد محمدرضایی: نویسندگان در بخش پایانی این نوشتار به آثار تکوینی بندگی خدا اشاره کرده‌اند که یکی از این آثار، سیطره بر بدن و طبیعت معرفی شده است. نویسندگان در این بخش به برخی از آیاتی تمسک کرده‌اند که آثار غیرعادی به انسان‌ها نسبت داده شده است. این بخش بسیار مختصر است که اولاً به تأثیر افعال نیک اختصاص دارد؛ ثانیاً به چگونگی تأثیر اشاره نشده است.

۷. «بررسی انتقال گناه زنا و آلودگی آن به فرزندان» به قلم سیدمصطفی حسینی و محمدحسین طاهری آکردی: در این تحقیق نویسندگان به صورت موردی به بررسی یکی از افعال ناشایست انسان‌ها و تأثیر آن بر دیگران (فرزندان) پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد این تحقیق بیشتر در صدد تبیین رابطه طبیعی میان عمل زشت زنا و اثر آن بر دیگران است.

۸. «رابطه استجاب دعا و معجزه با نظام علیت از نظر شارحان حکمت متعالیه» به قلم فاطمه رأفتی و حسن ابراهیمی.

نوآوری تحقیق

این تحقیق از جهات مختلفی دارای نوآوری می‌باشد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. الف) نوآوری در موضوع: نگارنده پس از فحص فراوان اثر مستقلى در تبیین چگونگی تأثیر افعال فراطبیعی مشاهده نکرده است؛ از این رو این مسئله برای نخستین بار و به صورت مستقل در این نوشتار تحلیل و بررسی شده است.

ب) نوآوری در ساختار: با بررسی پیشینه تحقیق روشن می‌شود که برای نخستین بار مسئله حاضر در این نوشتار به صورت نظام‌مند و بر پایه اصول و مبانی و در سه گام «تأثیر فعل مادی به صورت فراطبیعی»، «علل فراطبیعی مؤثر در عالم طبیعت» و «تأثیر عوامل فراطبیعی در عالم طبیعت» تبیین شده است.

پ) نوآوری محتوایی: نگارنده در این نوشتار تلاش کرده است با تجمیع مبانی و اصول مسئله از علوم مختلف عقلی و نقلی و تطبیق قواعد و اصول کلی بر افعال انسان به صورت جدیدی به مسئله بپردازد. با توجه به نبودن موضوع و تطبیق مبانی بر افعال انسان، محتوای جدیدی در این تحقیق ارائه شده است.

مبانی و پیش‌نیازهای مسئله

ضروری است برای تبیین نقش فراطبیعی فعل انسان در عالم تکوین، مبانی و پیش‌نیازهای این مسئله مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا جلوه‌های مختلف مسئله به‌ویژه چگونگی تأثیر فعل انسان روشن شود. این مبانی در سه بخش «هستی‌شناسی»، «خداشناسی» و «انسان‌شناسی» قابل تحلیل اند.

۱. مبانی هستی‌شناختی

از جمله مبانی و پیش‌شناخت‌های ضروری در مسئله تأثیر فراطبیعی فعل انسان، مبانی هستی‌شناختی است که درباره عالم هستی سخن می‌گوید. در ادامه به برخی از این مبانی اشاره می‌شود:

الف) عوالم هستی: با مشاهده موجودات عینی و خارجی، وجود عالم طبیعت و ماده ثابت می‌شود که نام دیگر آن عالم «ناسوت» است. با اثبات وجود خدای متعالی عالم الوهی نیز ثابت شده که به آن عالم «لاهورت» اطلاق می‌شود. با توجه به سنخیت میان علت و معلول و قاعده الواحد، صدور مستقیم و مباشر عالم ناسوت از عالم لاهوت ممکن نیست؛ لذا حکما به وجود عالم دیگری میان این دو به نام عالم «جبروت» یا عالم «عقل» حکم داده‌اند. برخی حکما به ویژه حکمای متأله به سبب قاعده امکان اشرف و همچنین وجود قوای خیالی در انسان،* حکم به وجود عالمی برتر از عالم ناسوت و ضعیف‌تر از عالم جبروت کرده و به آن عالم «ملکوت» یا عالم «مثال» اطلاق می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۸۴). از نظر آنان دو عالم عقل و مثال مجردند و عالم ماده غیر مجرد و مادی است (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۳۷۹).

ب) وجود ساحت ملکوتی و باطنی برای تمام اشیا: با مراجعه به آیات (ر.ک: مؤمنون: ۸۸ / یس: ۸۳ / اعراف: ۱۸۵) و روایات مختلف (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۲ / مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۳۰) روشن می‌شود که تمام موجودات طبیعی و مادی (مصادیق عالم ناسوت) علاوه بر ساحت و جنبه مادی و ظاهری خود، دارای ساحت و جنبه معنوی و باطنی نیز هستند. بر این اساس مصادیق عالم ناسوت - که افعال انسان نیز از مصادیق آن است - منحصر در وجود مادی و طبیعی نبوده، افزون بر این ساحت ظاهری، دارای ساحت ملکوتی و باطنی نیز هستند. از آنجا که این ساحت دوم با ساحت نخست متفاوت و مغایر است، حکم به غیرمادی بودن آن و از آنجا که در برخی آیات و روایات به دیده شدن و مشاهده توصیف

* انسان دارای مراتب مختلف طبیعی (جسم و بدن)، مثالی (قوه حس و خیال) و عقلی (قوه عقل) است. از آنجا که طبیعت نمی‌تواند منشأ پیدایش قوای برتر از خود باشد، حکم می‌شود که هر مرتبه از وجود انسان معلول عالمی از سنخ خود است؛ یعنی عالم مثالی هست که علت پیدایش قوه حس و خیال در انسان شده است؛ همچنین عالم عقلی وجود دارد که موجب تحقق قوه عقل در انسان می‌باشد.

شده، حکم به صورت داشتن و عدم تجرد عقلی آن می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد ساحت ملکوتی و باطنی اشیا دارای تجرد غیرتام و مثالی بوده و از مصادیق عالم ملکوت می‌باشند.

۲. مبنای خداشناختی

قاعده الواحد یکی از مبانی خداشناختی مسئله است. فلاسفه با باور به قاعده الواحد معتقدند خدای سبحان فقط دارای یک فعل مستقیم و مباشری است؛ زیرا موجودی که از هر نظر واحد بوده، در آن هیچ جهت کثرتی وجود نداشته و به عبارتی بسیط محض باشد، فقط دارای یک معلول و فعل می‌باشد؛ چراکه وجود سنخیت و تناسب میان علت و معلول ضروری است. در صورتی که افعال متعددی از بسیط محض صادر شود، به سبب تناسب علت با معلول، باید گفت جهات متعددی در علت وجود دارد؛ این در حالی است که بسیط محض فاقد هر گونه کثرتی است؛ بنابراین روشن می‌شود که از موجود بسیط محض فقط یک فعل صادر می‌شود و فرض تعدد افعال مستقیم خدای واحد بسیط صحیح نیست (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۶۸۴/ طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۱۴-۲۱۵). گفتنی است، فلاسفه با وجود پذیرش قاعده الواحد بر اطلاق قدرت الهی نیز باور داشته، این دو گزاره را -بر خلاف برخی متکلمان- متضاد نمی‌دانند (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۱۵).

۳. مبنای انسان‌شناختی

انسان‌شناسی یکی از مقدمات مهم مسئله مورد بحث است که بدون توجه به آن، تحلیل و تبیین تأثیر فراطبیعی افعال انسان ممکن نیست. انسان‌شناسی دارای مسائل مختلفی است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود که مبنای مسئله مورد بحث هستند:

الف) تجرد نفس: در مسئله تجرد نفس بیشتر متکلمان نقل‌گرا بر جسمانیت لطیف نفس (اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۳-۳۳۷/ قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۱۰-۳۱۲/ سید مرتضی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳/ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۰۴) و حکما و بیشتر متکلمان عقل‌گرا بر تجرد نفس باور دارند. حکمت مشاء با رهیافت حدوث و بقای روحانی (ابن‌سینا، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۳۳) و حکمت

متعالیه با رهیافت حدوث جسمانی و بقای روحانی (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، ج ۳، ص ۶۶ و ج ۹، ص ۳۷۱-۳۷۲) به تبیین تجرد نفس می پردازند. نگارنده به سبب وجود ادله متعدد عقلی و نقلی به دیدگاه تجرد نفس با رهیافت حدوث جسمانی و بقای روحانی باور دارد؛* از این رو در این نوشتار با این تحلیل از نفس به ارزیابی مسائل پرداخته می شود.

ب) تجسم اعمال: در گذشته بیان شد که اشیا و امور مادی علاوه بر صورت ظاهری و طبیعی، دارای صورت باطنی و غیرمادی نیز هستند. افعال انسان ها نظیر دعا، نماز، صدقه و... نیز به صورت مادی و طبیعی انجام می شوند (فرد دستان خود را بلند کرده و با زبان اصواتی را ایجاد می کند؛ همچنین به رکوع و سجده می رود) لذا این افعال نیز دارای صورت باطنی اند. صورت باطنی افعال انسان، معلول نفس و در ظرف نفس اند؛ یعنی با انجام فعل پسندیده، صورت باطنی در درون نفس پدیدار شده و نفس تعالی و گسترش وجودی می یابد، نه آنکه صورت باطنی خارج از ذات نفس و مغایر آن ایجاد شده و نفس به سوی آن حرکت کند؛ لذا افعال انسان اگرچه در ظاهر مادی اند، درحقیقت دارای جنبه فرامادی بوده و از این حیث دارای تأثیر فراطبیعی می باشند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۸۲ و ج ۸، ص ۳۴۰-۳۴۵).

بر این اساس به سبب اینکه منشأ صورت باطنی، افعال انسان و ظرف تحقق آن نیز نفس انسان است، این مبنا از مبنای انسان شناسی محسوب می شود (ترخان، ۱۳۹۵، ص ۴۳۲-۴۳۳).

در جدول زیر به نقش مبانی ذکر شده در مسئله مورد بحث اشاره می شود.

| شماره | مبانی | چگونگی تأثیر در مسئله |
|---------------|---|---|
| ۱ | مبانی هستی شناختی | *** |
| الف و ب | وجود ساحت ملکوتی و باطنی برای تمام اشیا | در صورتی افعال انسان به صورت فراطبیعی می توانند تأثیر داشته باشند که دارای جنبه فراطبیعی باشد، اثبات وجود ساحت ملکوتی در افعال انسان، از مبانی مهم مسئله می باشد. |

* نگارنده این ادله را در جایی دیگر بررسی کرده است (ر.ک: قدردان قراملکی، ۱۳۹۷، ص ۳۷-۵ و ۱۳۹۸، ص ۶۹-۹۹).

| شماره | مبانی | چگونگی تأثیر در مسئله |
|-------|--------------------|---|
| ۲ | مبنای خداشناختی | *** |
| الف | قاعده الواحد | این قاعده نقش مهمی در تبیین چگونگی تأثیر خدای سبحان به عنوان مهم‌ترین علت غیبی و فراطبیعی موثر در عالم تکوین دارد. طبق قاعده الواحد تأثیر خدای متعالی در عالم تکوین به صورت مباحثی و مستقیم نیست. |
| ۳ | مبانی انسان‌شناختی | *** |
| الف | تجرد نفس | از عوامل موثر در عالم تکوین نفس انسان است که به صورت مجرد و فرامادی دارای تحقق است. این موجود مجرد حقیقت انسانی است و بر بدن جسمانی و مادی حکومت داشته که می‌تواند در آن به صورت فراطبیعی تصرف کند. |
| ب | تجسم اعمال | افعال انسان افزون بر صورت ظاهری و طبیعی، دارای صورت باطنی و فراطبیعی است که این صورت منشأ تحقق پدیده‌های مختلفی در عالم تکوین می‌شود. |

تأثیر فراطبیعی افعال انسان بر عالم تکوین

پس از ذکر نکات مقدماتی و مبانی، به بررسی تأثیر فراطبیعی افعال انسان بر عالم تکوین می‌پردازیم. برای تبیین مسئله ضروری است در گام نخست به چگونگی تأثیر فعل مادی و طبیعی به صورت فراطبیعی پرداخته شود. در این گام روشن خواهد شد افعال انسان افزون بر ساحت مادی، دارای بُعد معنوی و فرامادی نیز هستند. سپس در گام دوم به علل فراطبیعی پرداخته می‌شود که با افعال انسان‌ها فعلیت یافته، موجب ایجاد آثاری در عالم تکوین می‌شوند. در نهایت و در گام سوم نیز به چگونگی ارتباط و تأثیر موجودات فراطبیعی در عالم ماده پرداخته می‌شود؛ از این رو تأثیر فراطبیعی افعال انسان در سه گام و سیر قابل طرح است.

گام یکم: تأثیر فعل مادی به صورت فراطبیعی (سیر از عالم ماده به عالم فراماده)

افعال و رفتار جوارحی انسان به وسیله قوا و اجزای بدن محقق می‌شوند؛ برای نمونه در صدقه انسان دست در جیب خود کرده و پولی را به مستمند پرداخت می‌کند. این افعال دارای اثر عادی و طبیعی اند که برای همگان شناخته شده‌اند. در مثال یادشده پرداخت صدقه موجب کم‌شدن پول و سرمایه شخص می‌شود؛ اما بر اساس متون دینی افعال انسان‌ها دارای آثار دیگری هستند که به صورت عادی تبیین‌پذیر نیستند. در مثال یادشده پرداخت صدقه موجب دورشدن بلا و چندبرابردن مال می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۳-۱۰)؛ لذا تأثیر این افعال نه به صورت عادی و طبیعی بلکه به صورت غیرعادی و فراطبیعی می‌باشد.

اکنون سخن در این است که چگونه فعلی مادی و طبیعی می‌تواند به صورت فراطبیعی در عالم تصرف کند؟ این افعال طبیعی دارای چه ویژگی‌اند که استعداد و توانایی تصرف فراطبیعی را دارند؟ آیا ایجاد اثر فراطبیعی از علت طبیعی نقض سنخیت میان علت و معلول نیست؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها ضروری است ابعاد گوناگون فعل انسان بررسی شود. با بررسی ابعاد مختلف فعل انسان روشن می‌شود افعال انسان صرفاً مادی و طبیعی نیستند تا تأثیر فراطبیعی آنها تعجب‌برانگیز و مخالف سنخیت میان علت و معلول باشد، بلکه این افعال دارای ساحت‌های مختلفی هستند که هر یک اثر متناسب با خود را ایجاد می‌کنند.

توضیح آنکه همان‌گونه که در مبانی بیان شد، افعال انسان علاوه بر صورت و ساحت طبیعی، دارای صورت باطنی و ساحت ملکوتی‌اند که در عالم مثال و ملکوت حضور دارند؛ لذا به هنگام انجام فعل، صورت ظاهری و طبیعی در عالم ناسوت و صورت باطنی در عالم ملکوت پدید می‌آید. این صور دارای آثار مخصوص به خودند که سنخیت، حکم به تناسب آثار آنها با خودشان می‌کند؛ از این رو اثر صورت ظاهری فعل انسان، مادی و طبیعی و اثر صورت باطنی فعل انسان، مجرد و فراطبیعی است؛ افزون بر این افعال انسان‌ها صرفاً جوارحی و طبیعی نبوده و به صورت جوانحی و همراه با قصد و نیت محقق می‌شوند که دارای جنبه معنوی و فراطبیعی نیز می‌باشند؛ برای نمونه قیام و رکوع و سجود در صورتی که همراه قصد اطاعت و قربت باشند، نماز و دارای آثار خاصی هستند و بدون قصد قربت حداکثر عملی ورزشی محسوب می‌شوند که هیچ‌کدام از آثار غیر معمول نماز را ندارند.

حاصل آنکه افعال انسان‌ها مرکب از دو ساحت طبیعی و فراطبیعی اند و فقط مادی و طبیعی خواندن آنها درست نیست. ساحت معنوی و فراطبیعی افعال انسان است که موجب ایجاد آثاری غیر معمول می‌شود.

گام دوم: علل فراطبیعی موثر در عالم طبیعت (سیر در عالم فراماده و فعلی شدن علل غیرمادی)

مطابق متون دینی افعال انسان‌ها دارای آثاری هستند که به صورت عادی و معمول تبیین‌پذیر نیستند. این آثار به سبب لزوم سنخیت میان علت و معلول ناظر به ساحت معنوی و باطن افعال انسان‌ها می‌باشند. با توجه به ناشناخته بودن ابعاد باطنی افعال، رابطه میان فعل انسان و نتیجه عجیب و در ظاهر نامعقول به نظر می‌آید؛ لیکن با شناخت این ابعاد و توجه به آنها نه تنها آثاری که در متون دینی برای برخی افعال بیان شده نامعقول نخواهد بود، بلکه به حکم عقل (تخلف معلول از علت) این آثار باید از فعل انسان ظاهر شوند. در اینجا به عوامل فراطبیعی اشاره می‌شود که در پی فعل انسان فعلیت یافته، در عالم تکوین دارای اثرند. **الف) صورت باطنی افعال:** بر اساس دیدگاه تجسم اعمال همان گونه که بیان شد- افعال انسان‌ها دارای دو ساحت ظاهری و باطنی یا دنیوی و ملکوتی اند. صور ملکوتی از جمله موجودات عالم هستی اند که در برخی از دیگر موجودات اثر گذاشته، از برخی آنها اثر می‌پذیرند؛ لذا چنان که امور مادی و طبیعی سبب و علت ایجاد پدیده‌هایی - نظیر علیت آتش برای گرما- هستند، صور باطنی و ملکوتی نیز علت پدیداری رخدادهای مختلفی در عالم هستی می‌شوند (ترخان، ۱۳۹۹، ص ۴۲-۴۳).

البته با توجه به عدم دسترسی عقل و تجربه به حقیقت این صور، از تبیین رابطه علی آنها نیز ناتوان‌اند و برای کشف این ارتباط باید از روش نقلی و کشف و شهود استفاده کرد.

ب) تکامل یا تنزل نفس: بیان شد که عالم هستی از عوالم جبروت، ملکوت و ناسوت تشکیل شده که از نظر وجودی تفاوت تشکیکی دارند. همچنین این عوالم دارای رابطه علی بوده و عالم جبروت علت وجودی عالم ملکوت و عالم ملکوت علت وجودی عالم ناسوت است (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۷۹-۳۸۰).

به سبب رابطه تشکیکی و علی میان این عوالم، اگر موجودی در درجات بالای وجودی قرار داشته باشد، می‌تواند با رعایت سنخیت، در موجودات پایین‌تر اثر گذاشته، در آنها آثاری را پدیدار کند.

نفس انسان‌ها به عنوان یکی از موجودات عالم هستی با توجه به افعال و کردار خود، یکی از این مراتب مختلف را کسب می‌کند. افعال نیک و پسندیده موجب تعالی و رشد درجات وجودی نفس شده و در مقابل افعال شر و ناپسند موجب تنزل درجات وجودی نفس می‌گردند. هرچه این درجات انسان بالاتر باشد، طبیعتاً توان تصرف علی در موجودات بیشتری را کسب می‌کند و هرچه پایین‌تر باشد، این قابلیت را نخواهد داشت؛ بنابراین افعال نیک با افزایش ظرفیت وجودی انسان به او قابلیت تصرف در عالم تکوین -به‌ویژه عالم ماده- و جلب منافع برای خود، دیگران، جامعه و محیط زیست را عطا می‌کنند و افعال ناپسند این قابلیت را سلب می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۰۴). بر این پایه نفس به عنوان موجودی مجرد و فراطبیعی با توجه به درجات وجودی‌اش، در عالم تکوین تصرف کرده و سبب ایجاد پدیده‌هایی در عالم می‌شود.

ج) اراده الهی بر پاداش یا عقوبت: افعال نیک موجب خرسندی و شادمانی و افعال ناپسند سبب خشم و غضب پروردگار از انسان‌ها می‌شوند. اگرچه محل اصلی پاداش و عقوبت سرای آخرت است، خدای متعالی گاهی در این دنیا و به مصالح مختلفی، بخشی از این پاداش و عقوبت را به انسان‌ها می‌چشاند؛ بنابراین در صورتی که انسانی رضایت خالق و رازق خویش را جلب کرده باشد، مورد لطف و عنایت او قرار گرفته و از راه‌هایی که انتظار آن نمی‌رود و با وسایط مختلف فراطبیعی و طبیعی پاداش خویش را دریافت می‌کند. همچنین انسانی که خشم و غضب الهی را برانگیخته باشد، از عذاب و عقوبت آن حضرت در امان نمانده، آن حضرت از وسایط مختلف و به صورت فراطبیعی و طبیعی بر او عذاب و بلا نازل می‌کند.

البته گفتنی است، خدای متعالی علت‌العلل تمام موجودات است و هیچ موجودی بدون عنایت حضرت حق، توان تصرف و حرکت ندارد؛ لذا در دو صورت پیش نیز خدای متعالی و اراده آن حضرت به عنوان علت‌العلل و علت هستی‌بخش در ایجاد پدیده‌ها در عالم نقش داشت و صور باطنی و نفس انسان وسایط الهی بودند؛ اما در آنجا نظر و توجه به علیت صورت باطنی و نفس انسان بود. در اینجا نیز خدای متعالی برای پاداش یا عذاب از وسایط مختلفی استفاده می‌کند؛ اما نظر و توجه به علیت باری تعالی و نه وسایط است.

در پایان باید گفت اگرچه علل فراطبیعی در عالم ناسوت و ماده اثرگذارند، این تأثیر به صورت مستقیم و مباشر نبوده و با واسطه علل مادی، معلول محقق می‌شود. علل مادی در طول علل

معنوی و غیبی قرار دارند که توضیح آن خواهد آمد. همچنین باید اشاره کرد که این سه علت فراطبیعی مانعة‌الجمع نبوده و ممکن است عمل واحدی سبب فعلیت هر سه علت شود و این علل با هم در عالم تکوین اثرگذارند؛ برای مثال عمل پسندیده صدقه موجب تعالی نفس شده، نفس امکان تصرف در عالم تکوین را به دست می‌آورد. در کنار آن صورت باطنی نیک ایجاد شده که در عالم اثر می‌گذارد؛ همچنین رضایت پروردگار نیز جلب شده که در پی آن نعمت‌های الهی در عالم تکوین برای فرد نیکوکار مهیا می‌شود.

۱۵۹

گام سوم: تأثیر عوامل فراطبیعی بر عالم طبیعت (سیر از عالم فراماده به سوی عالم ماده و تأثیر بر آن)

پس از تبیین تأثیر علل فراطبیعی در عالم ماده، به تحلیل چگونگی این تأثیر می‌پردازیم. به سبب اختلاف اندیشمندان در مبانی مسئله، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. در ادامه برخی از این دیدگاه‌ها تبیین می‌کنیم:

الف) دیدگاه ماتریالیست‌ها: ماتریالیست‌ها (ماده‌باوران) به سبب انکار موجودات فراطبیعی و غیرمادی، به صورت تخصصی (خروج موضوعی) از مسئله خارج‌اند؛ چراکه این مسئله فرع بر پذیرش موجودات فراطبیعی است و این گروه به سبب عدم پذیرش آن، به تبع منکر هر گونه تأثیر غیبی و فراطبیعی خواهند بود و معنا ندارد چیزی که نیست (مجردات) منشأ اثر باشد.

۲. دیدگاه متکلمان نقل‌گرا: متکلمان نقل‌گرا ضمن انکار قاعده الواحد، معتقدند خدای سبحان که برترین موجود فراطبیعی است، می‌تواند به صورت مباشری در عالم ماده و طبیعت تصرف نماید. این گروه افعال مباشری فراوانی را به خدای سبحان نسبت داده و انکار آن را محدودسازی قدرت نامتناهی خدا می‌دانند؛ بنابراین همان گونه که آثار طبیعی افعال انسان به خدا منسوب است، آثار فراطبیعی نیز به خدا نسبت داده شده و فعل مباشری خدا معرفی می‌شوند (ایجی و میر سیدشریف، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲۵-۱۲۶/فاضل مقداد، ۱۳۷۸، ص ۷۸-۷۹).

۳. دیدگاه حکما و متکلمان عقل‌گرا: حکما و متکلمان عقل‌گرا با پذیرش قاعده الواحد و لزوم سنخیت میان علت و معلول، ضمن پذیرش ارتباط وجودی میان تمام مخلوقات با خدا، معتقدند

قیس

بررسی تأثیر فراطبیعی افعال انسان بر عالم تکوین

خدای سبحان به صورت مابشری دارای یک فعل بوده که آن موجودی مجرد و غیرمادی (عقل اول) است. دیگر رخدادهای عالم با وجود آنکه تجلی خدایند، فعل مابشر و مستقیم خدا نبوده، همگی با وسایط آن حضرت محقق می‌شوند. البته قاعده الواحد به خدای متعالی اختصاص داشته، شامل دیگر موجودات مجرد نظیر عقل اول نمی‌شود (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۲۰۴-۲۱۰/ طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۰-۳۸۱)؛ لیکن با تنقیح مناط روشن می‌شود دیگر مجردات که کمتر دارای جنبه تکثرند نیز به صورت مابشری در عالم ماده اثر نداشته و دخالت نمی‌کنند. این سیر در میان موجودات مجرد ادامه دارد تا به موجود مجردی رسیده که دارای جنبه تکثر فراوانی است و به همین سبب می‌تواند به صورت مستقیم در عالم ماده دخالت کند.

توضیح آنکه عقل اول که به صورت مابشری و توسط خدای متعالی آفریده شده است، به سبب سنخیت میان علت و معلول، موجودی بسیط، دارای تمام کمالات وجودی، فاقد هر گونه استعداد و دارای فعلیت تام است؛ در عین حال چون دارای وجود غیرمستقل و ربطی می‌باشد، فقیر محض و ممکن است. همین محدودیت وجودی - که خدای سبحان فاقد آن است - سبب ماهیت داشتن عقل اول شده و این به معنای داشتن کمترین جهات تعدد در اوست؛ از این رو عقل اول بر خلاف خدای سبحان، می‌تواند منشأ افعال متعدد قرار گیرد. البته چون جهت تعدد او بسیار اندک است، فعل مابشری او نیز بسیار اندک بوده و نمی‌تواند منشأ مستقیم عالم ماده باشد (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۲).

بر این اساس عقل اول منشأ تکثر در عالم هستی است. حکما در چگونگی این سیر تکثر تا رسیدن به موجودی که علت مابشری عالم ماده است، به اختلاف گراییده‌اند.

الف) حکمت مشاء: حکمای مشاء معتقدند عقل اول، علت ایجاد عقل دوم است و عقل دوم علت ایجاد عقل سوم و این سیر طولی تا عقل دهم ادامه پیدا می‌کند. این گروه عقل دهم را «عقل فعال» نامیده‌اند که موجودی مجرد، مستقل از نفس و قائم به ذات است و آن را منشأ تکثرات و علت مابشری عالم ماده معرفی می‌کنند. بنابراین عقل فعال آخرین موجود مجرد عقلی در عالم جبروت است* که در سیر نزولی به سبب وجود تکثرات مختلف در آن، توانسته معلول‌های مادی و

* حکمت مشاء عالم ملکوت و مجردات مثالی و برزخی را نپذیرفته، مخلوقات را به دو گونه مجردات عقلی و مادی تحلیل می‌کنند؛ از این رو معتقدند آخرین درجه از مجردات عقلی، علت مابشری عالم ماده است.

طبیعی را در پی خود داشته باشد (ابن‌سینا، ۱۳۷۹، ص ۴۱۱/ همو، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۸۵-۳۶۰/ طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۲).

ب) حکمت اشراق: حکمای اشراقی معتقدند از نورالأنوار (خدای سبحان) تنها یک نور مجرد صادر می‌شود که به آن «نور اقرب» گفته می‌شود. این نور همان صادر اول و عقل اول است. نور اقرب نیز دارای یک معلول نورانی است و آن معلول نورانی خود دارای یک معلول نورانی دیگر است. به این انوار «انوار قاهره طولی» اطلاق می‌شود. این انوار و عقول موجوداتی مجردند که در میان خود دارای رابطه علی و تشکیکی‌اند و هر مرتبه، علت ایجاد مرتبه پایین‌تر از خود است. پس از پایان یافتن سلسله انوار قاهره طولی، این انوار نورها و عقل‌هایی را ایجاد می‌کنند که فاقد رابطه علی و طولی‌اند که به آنها «انوار قاهره عرضی» گفته می‌شود. این انوار در کنار و عرض یکدیگر قرار داشته، هیچ یک علت دیگری نیست. حکمای اشراقی به این انوار و عقول عرضی، «ارباب انواع» و «مُثل افلاطونی» اطلاق می‌کنند. این مُثل از مصادیق عالم عقول‌اند و علت ایجاد عالم مثال (ملکوت)‌اند (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۳۰-۲۳۲/ قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۳۴۰). این گروه معتقدند هر یک از این انوار به سبب داشتن جهات کثرت، علت پیدایش یک نوع موجودات مادی‌اند (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲، صص ۱۳۲-۱۳۳ و ۱۳۹-۱۴۳ و ۱۷۸/ طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۲).

ج) حکمت متعالیه: پیروان حکمت متعالیه با پذیرش عقل فعال، دیدگاهی نزدیک به دیدگاه مشائین را برگزیده‌اند؛ البته رهیافت آنان اندک تفاوتی با حکمت مشاء دارد. حکمت متعالیه نیز عقل دهم یا همان عقل فعال را مجرد عقلی دانسته و از مصادیق عالم جبروت می‌داند؛ اما معتقد است این عقل علت ایجاد عالم ملکوت است (برخلاف حکمت مشاء که عقل فعال را علت ایجاد عالم ناسوت می‌داند). عالم ملکوت نیز سبب ایجاد عالم ناسوت می‌شود (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۰/ جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۸۴).

بر این پایه روشن شد که اولاً حکما و متکلمان عقل‌گرا اصل تأثیر موجودات مجرد در عالم ماده را پذیرفته‌اند؛ با این تفاوت که حکمت مشاء معتقد است عقل فعال علت مابشری عالم ماده است و حکمت متعالیه باور دارد که عقل فعال، علت مابشری اولین موجود عالم ملکوت بوده و آخرین موجود عالم ملکوت، علت مابشری اولین موجود عالم ناسوت است. ثانیاً برخی از مجردات علت بعید و غیرمستقیم عالم ماده‌اند -مانند عقل اول- و برخی از آنها که از درجه

وجودی کمتری برخوردارند (عقل فعال در حکمت مشاء و عالم مثال در حکمت اشراق و متعالیه)، علت قریب عالم ماده‌اند.

در پایان گفتنی است، اگرچه انسان‌ها و اندیشمندان متوجه می‌شوند که علل فراطبیعی در عالم مؤثرند و تأثیر به صورت طولی و سلسله‌وار تا رسیدن به عالم ماده و طبیعت ادامه دارد، لیکن کیفیت و چگونگی تأثیر به صورت دقیق و کامل برای آنان - به سبب عدم احاطه کامل بر مجردات و موجودات فراطبیعی - مشخص نیست؛ لذا با وجود علم به منشأ آثار بودن علل فراطبیعی و مجردات در عالم تکوین (اصل تأثیر فراطبیعی)، نخواهند دانست که این علل دقیقاً چگونه و با چه مکانیزمی افعال خود را انجام می‌دهند.

بر این اساس پدیده‌ها و رخدادها بیان شده در ادله نقلی پس از فعل انسان‌ها کاملاً موافق اصل علیت بوده و به هیچ وجه خلاف عقل و منطق نیستند؛ بلکه به سبب محدودیت ادراکی انسان و عدم شناخت و احاطه کامل او به موجودات عالم هستی از سویی و توجه بیشتر انسان‌ها به علل مادی و بی‌توجهی یا کم‌توجهی به علل غیبی از سوی دیگر، سبب شده است گمان شود این گزاره‌های دینی مخالف عقل‌اند؛ لیکن ادله نقلی - که از سوی خدای سبحان و اهل بیت علیهم‌السلام ارائه شده‌اند - به سبب علم کامل و لدنی به عالم هستی، به صورت دقیق نتیجه افعال انسان را که از طریق علل فراطبیعی محقق می‌شوند، گزارش کرده‌اند. انسان نیز با تأمل و دقت در عالم هستی می‌تواند به صورت کلی به این ارتباط پی ببرد؛ اما به صورت جزئی دست‌یابی به این ارتباط ممکن نیست و راه دست‌یابی به این ارتباط، مراجعه به ادله نقلی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به بررسی تأثیر فراطبیعی افعال انسان بر عالم تکوین پرداخته شد و نکاتی به شرح زیر روشن گردید:

۱. افعال انسان‌ها صرفاً مادی و طبیعی نبوده و افزون بر بُعد و ساحت مادی، دارای ساحت معنوی و ملکوتی نیز می‌باشند.

۲. ساحت ملکوتی افعال انسان از جمله موجودات عالم تکوین‌اند که بر آن اثر گذاشته و از آن

اثر می‌پذیرند؛ لذا این بُعد مجرد و فرامادی افعال انسان می‌تواند منشأ آثار باشد.

۳. بُعد فرامادی افعال انسان به سه گونه می‌تواند اثرگذار باشد: نخست خود به شکل صورت باطنی سبب ایجاد آثاری باشد. دوم موجب تکامل یا تنزل نفس شود و سپس نفس با درجات کسب‌شده، منشأ آثاری باشد. سوم خدای سبحان به سبب ایجاد این بُعد توسط افعال انسان، اراده بر پاداش یا عقاب صاحب فعل می‌کند.

۴. علل فراطبیعی به سبب سنخیت میان علت و معلول به صورت مباحثی و مستقیم در عالم مادی و طبیعی اثر نکرده و در سیری طولی و احاطه‌ای موجب ایجاد وقایع در عالم طبیعت می‌شوند.

۵. متون دینی با دقت و ظرافت خاصی به تأثیر و ارتباط میان افعال انسان و آثار در ظاهر نامرتبط پرداخته‌اند. با تأمل و دقت در افعال انسان و همچنین اصل علیت و سنخیت میان علت و معلول، مشخص می‌شود که تنها صدور این آثار از افعال انسان‌ها عجیب و نامعقول نیستند، بلکه تأثیر فراطبیعی کاملاً موافق ادله عقلی و اصل علیت و سنخیت‌اند.

۶. میان دین و علم در مسئله آثار افعال انسان، هیچ تعارضی وجود ندارد. علم بر اساس ابعاد مادی و طبیعی افعال انسان حکم به صدور برخی آثار و دین و عقل با دست‌یابی به ابعاد معنوی و فراطبیعی افعال انسان، حکم به صدور برخی آثار دیگر پس از فعل انسان می‌کنند.

۷. مقتضی روش تجربی آن است که هرچه مشاهده شود، هست؛ اما آنچه مشاهده نشد، اطلاعی از آن در دست نیست و نمی‌توان حکم سلبی (نبودن) یا اثباتی (بودن) درباره آن صادر کرد. ماده‌باوران و دانشمندان طبیعی به روش تجربی خویش پایبند نبوده، به سبب عدم دست‌یابی به ابعاد فراطبیعی افعال انسان، حکم به فقدان آن در انسان و در نتیجه عدم تأثیر فراطبیعی افعال انسان کرده‌اند؛ در حالی که این گروه مطابق روش تجربی، به سکوت و عدم اظهار نظر سلبی و اثباتی در مسئله ملزم‌اند و حق رد و خرافای پنداشتن تأثیر فراطبیعی افعال انسان را ندارند.

منابع

- * قرآن کریم.
۱. ابن‌ابی‌الجمهور، محمد بن علی‌احسائی (۱۴۰۳ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. تحقیق مجتبی‌عراقی، قم: سیدالشهداء.
 ۲. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۶). الشفاء. تصحیح حسن حسن‌زاده‌آملی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۳. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). النجاة من الغرق فی بحر الضلالات. مقدمه و تصحیح از محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۴. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۴). الإشارات و التنبیها. تحقیق کریم فیضی، قم: مطبوعات دینی.
 ۵. اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰ق). مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین. آلمان: فرانس شتاينر.
 ۶. ایچی، و میرسید شریف (۱۴۱۵ق). شرح المواقف. قم: انتشارات الشریف الرضی.
 ۷. ترخان، قاسم (۱۳۹۵). علل معنوی و چالش‌های پیش رو در اسلامی‌سازی علوم. فلسفه دین، ۱۳ (۳)، ۴۳۱-۴۵۶.
 ۸. ترخان، قاسم (۱۳۹۷). تأملی در قوانین فرامادی پیشرفت بر اساس سنت‌های اجتماعی الهی. حکمت اسلامی، ۵ (۱)، ۱۲۵-۱۵۳.
 ۹. ترخان، قاسم (۱۳۹۹). نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلایای طبیعی. قبسات، ۲۵ (۹۶)، ۳۵-۶۵.
 ۱۰. جوادی‌آملی، عبد‌الله (۱۳۸۳). حماسه و عرفان، تحقیق و تنظیم محمد صفایی، قم: مرکز نشر اسراء.
 ۱۱. سهروردی، یحیی (شیخ اشراق) (۱۳۷۵). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. به تصحیح و مقدمه هانری کرین و دیگران، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 ۱۲. سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۱ق). الذخیره فی علم الکلام. به تحقیق سیداحمد حسینی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
 ۱۳. شیخ صدوق، ابن بابویه (محمد بن علی) (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۴. صدر المتألهين، محمد بن ابراهيم شيرازي (۱۹۸۱م). الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة. بيروت: دار احياء التراث.
۱۵. طباطبائي، سيد محمد حسين (۱۴۲۲ق). نهاية الحكمة. قم: نشر اسلامي.
۱۶. طوسي، محمد بن محمد (خواجه نصيرالدين) (۱۳۷۵). شرح الإشارات و التبيهاات. قم: نشر البلاغة.
۱۷. فاضل مقداد، بن عبد الله السيوري (۱۳۷۸). الأنوار الجلالية في شرح الفصول النصيرية. مشهد: آستانة الرضوية المقدسة - مجمع البحوث الإسلامية.
۱۸. قاضي عبد الجبار (بي تا). المغني في ابواب التوحيد و العدل. قاهره، مؤسسة المصرية العامة.
۱۹. قردان قراملكي، علي (پاييز و زمستان ۱۳۹۷). ادله عقلي تجرد نفس از ديدگاه آيت الله جوادي آملی. دوفصلنامه علمي پژوهشي حكمت اسراء، ۱۰ (۳۲)، ۵-۳۷.
۲۰. قردان قراملكي، علي (پاييز و زمستان ۱۳۹۸). بازخوانی ادله نقلی تجرد نفس از ديدگاه آيت الله جوادي آملی. دوفصلنامه علمي پژوهشي حكمت اسراء، ۱۱ (۳۴)، ۶۹-۹۹.
۲۱. قطب الدين شيرازي، محمود بن مسعود (۱۳۸۳). شرح حكمة الإشراق سهروردي، تحقيق عبد الله نوراني و مهدي محقق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگي.
۲۲. كليني، محمد بن يعقوب (۱۳۶۵). الكافي. تهران: دار الكتب الاسلاميه.
۲۳. مجلسي، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۴. مجلسي، محمدتقي (۱۴۱۴ق). لوامع صاحبقراني (مشهور به شرح فقيه). قم: اسماعيليان.